

روشهای حکومتی مستاصل برای مقابله با اعتراضات

ناصر اصغری

در اعتراضات اخیر معلمان، جمهوری اسلامی تعدادی از آنها را دستگیر و با گرفتن قول و قرار که دیگر دست به اعتراض نزنند، آزادشان کرد. مدتی پیش هم در قراردادهای کارگران فاز ۱۵ و ۱۶ عسلیویه قید شده بود که در صورت اعتصاب از هیچگونه حق و حقوقی برخوردار نخواهند بود. تعدادی از اعضای ارشد خانه پرستار هم بدلیل اعتراضات رد صلاحیت شدند. در واقع بخاطر ابعاد وسیعی که این به اصطلاح مقابله با اعتراضات به خود گرفته است، در نگاه اول به یک ترفند جدید می‌ماند. اما چنین نیست. جمهوری اسلامی سالهاست که برای مقابله با اعتراضات کارگران، پادوهایش را چه در شوراهای اسلامی کار و حراست، و چه بعنوان جاسوسان کارفرمایان، به جان مبارزات و اعتراضات کارگری انداخته است که هر کس را که "سرش بوی قرمه سبزی" بدهد را به اداره اطلاعات و کارگزینی و حراست معرفی کنند تا اگر هم پایش به زندان و دادگاه کشیده نشد، حداقل از کار بیکارش کنند. هر کسی که مسائل جنبش کارگری در ایران را دنبال کرده باشد، می‌تواند چند مثال از اینگونه ظاهرا مقابله با اعتراضات کارگری بزند. مسئله اما همان ابعاد وسیعی است که به آن اشاره کردم.

شرایط جدید

گرچه ابعاد مقابله رژیم با اعتراضات کارگری، بشکل گرفتن تعهد و قول و قرار، وسیع شده است و در کلیت خود چیز تازه ای نیست، اما حاوی نکات مهم و تازه ای است که اشاره به آنها به پیشروی اعتراضاتمان کمک خواهند کرد.

گفتن و در نظر گرفتن این نکته مهم است که در شرایط تازه‌ای قرار داریم که پر است از اعتراضات. جمهوری اسلامی و مجریانش بندهای جداگانه‌ای را در قراردادهای کارگران به این نکته اختصاص داده‌اند که اگر اعتراض بکنید ال و بل می‌شود! یعنی فرض را بر این گذاشته‌اند که کارگران به این شرایط کاری تن نخواهند داد. فرض را بر این گذاشته‌اند که اعتراضات معلمان ادامه خواهند داشت. که پرستاران باز هم اعتراض خواهند کرد و همین افرادی که دفعات پیش اعتراضات را رهبری می‌کردند، اینبار هم جلو خواهند افتاد. این نقطه قوت جنبش ماست. جمهوری اسلامی می‌داند که کارگران اعتراض خواهند کرد و درست به همین دلیل هم دارد خودش را برای آن روز آماده می‌کند. و مهمتر اینکه دارد به فعالین جنبش‌های اعتراضی و کل جامعه می‌گوید که حکومتشان برنامه‌ای برای جواب دادن به مطالبات شما ندارد. تنها راه حلی که به آن فکر کرده‌اند، نه رسیدگی به مشکلات کارگران، معلمان و پرستاران، بلکه گسترش شیوه‌های مختلف سرکوب است.

اعتراضات ادامه خواهند داشت

اعتراضاتی که در جامعه در جریان هستند را عموماً "اعتراضات تدافعی" نام نهاده‌اند. من برای تعریف اعتراضات زیر سیطره جمهوری اسلامی عبارت "اعتراض تدافعی" را دوست ندارم؛ اما با گفتن این مسئله می‌خواهم یک نکته را برجسته کنم. ما قبلاً در این باره که اگر کارگر در ایران به دستمزدهای پرداخت نشده خود اعتراض کند وجود جمهوری اسلامی را هدف گرفته است، بحث کرده‌ایم. یعنی بنابر ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، اعتراض به نپرداختن دستمزدها در ایران زیر سیطره جمهوری اسلامی با کشوری مثل فرانسه و ترکیه متفاوت است. کارگر دستمزدش را بخواهد جمهوری اسلامی می‌افتد. زن چادرش بیافتد زلزله سیاسی به جان رژیم می‌افتد. رئیس جمهور رژیم اسلامی با یک رئیس جمهور زن از یک کشور دیگر دست بدهد، باعث بگو مگو و کفش پرتاب کردن بسمت

یکدیگر در مجالسشان برای یک دهه می شود. با این وضعیت، واضح است که اگر معلمان یا پرستاران و کارگران این کشور متحدانه اعتراض بکنند، حال اعتراضشان به هر چه باشد، تمام عمارت شان فرو خواهد ریخت.

منتها آن "نکته برجسته" ای را که گفتم این است که معلم، پرستار، بازنشسته، بیکار، کارگر و کارمند نه از سر شکم سیری، اتفاقا از سر گرسنگی است که دست به اعتراض می زنند و اینگونه اعتراضات را دیگر نمی شود با گرفتن دست معترض و بردنش به گوشه ای و گرفتن قول و قراری سرکوب کرد و مسئله را فیصله یافته اعلام کرد! شاید اینها در بین خودشان، دعوی بین حیدری ها و نعمتی ها و یا شیعیان و سنی ها را اینگونه حل و فصل می کنند، اما جنگ کارگر با کارفرما از جنس دیگری است.

۳ اوت ۲۰۱۵